

بخش نخست

سرگذشت ملت یهود

و سرزمین اسرائیل



پروفسور امنون نتصر در این بخش از کتاب
از پیشینه‌ی یهودیان در درازای تاریخ
از هنگام شکل گرفتن به صورت یک ملت
تا بازگشت به استقلال ملی
سخن می‌گوید

گفت و گوی سوم

چگونه بسیاری اقوام و تمدن‌ها نابود شدند، ولی ملت یهود زنده است؟



کاخ سلطنتی پادشاهان امپراتوری آشور در سرزمین امروزی عراق

پرسش - قول دادید که در این گفتار به روشنگری‌های خود درباره این سؤال ادامه دهید که چگونه است که در طول تاریخ چند هزار ساله مردمان خاور زمین، تمدن‌های بسیار به وجود آمد، سومری‌ها آمدند، آشوری‌ها ظهور کردند، بابلی‌ها پای به صحنه گذاشتند، موآبی‌ها، ادومی‌ها، فنیقی‌ها و ده‌ها قوم و تمدن دیگر. تقریباً همه این اقوام ناپدید شدند و از بسیاری از آنان اثری باقی نماند. ولی چه شد که ملت یهود علی‌رغم دو هزار سال پراکندگی، همچنان موجودیت معنوی و دینی و قومی خود را حفظ کرد و پایدار ماند. یهودیان دو هزار سال در "گالتوت" و تبعید سپری کردند، ولی به سرزمین پدری وفادار ماندند و پایبندی خود به فرهنگ و باور دینی خویش را حفظ کردند تا بالاخره به استقلال دوباره سرزمین خویش نائل شدند؟

پاسخ - اجازه بدهید که تبصره کوچکی نیز به سخنان پیشین خود اضافه کنم و آن این که آن ملت‌هایی که از آن‌ها نام بردید، دیگر به صورت ملت وجود ندارند - یعنی، سخن

شما کاملا درست است که سومری ها دیگر وجود ندارند، ملت آشور دیگر وجود ندارد - گرچه در ایران قومی به نام آسوری وجود دارند، ولی این مبحث دیگری است. زیرا آسوری هائی که به صورت امروز در ایران هستند، از نظر تاریخی منتسب به آشور باستانی نیستند. این موضوع مرتبط با تحولاتی بوده که در قرن نوزدهم رخ داده و فعالیت های میسیونری انگلیکانها. من این موضوع را کنار می گذارم و به مطلب اصلی باز می گردم: بله درست است، اقوامی که از آن ها نام بردید از بین رفتند. ولی اجازه دهید بگویم که اگر احيانا در میان این ملت های از میان رفته تمدن هائی وجود داشته، ابداعاتی بوده، اختراعاتی شده و راه های تازه ای پیش پای مردم دنیا گذاشته اند (به طور مثال در مورد خط نویسی و یا در مورد برخی قوانین)، بدون شک پاره ای از این نوآوری های آن زمان باقی مانده و نمی توان گفت که نابود شده است.

پرسش - بله، البته مسلم است آن چه که شما تذکر دادید. ولی من راجع به تمدن اقوام صحبت نمی کنم، بلکه منظور من ملیت و قومیت آن مردمان است که از بین رفت.

پاسخ - بله، این ها از بین رفتند. ما امروز کتیبه هائی داریم ، واقعا جای بسی تأمل و تعمق است که در حفريات باستانشناسی قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم در شهری که امروز موصل خوانده می شود و در شمال عراق قرار دارد و به شهر باستانی نینوه نزدیک است، تقریبا حدود پانصد هزار سنگ نبشته و لوحه های گلی از کتابخانه آشوربنیپال که یکی از پادشاهان بسیار مقتدر آشور بود پیدا شده و این ها را برده اند در دانشگاه شیکاگو و بریتیش میوزیوم و کتابخانه سلطنتی بریتانیا و در آن جا نگاهداری می کنند.

با تمام کوشش هائی که محققین روی قرائت این سنگ نبشته ها و لوحه هائی که از گل ساخته شده کرده اند، تا آنجا که من اطلاع دارم توانسته اند تنها حدود صد هزار لوحه را بخوانند و نوشته های آن را شناسائی کنند، ولی هنوز چهارصد هزار لوحه باقی مانده است.

برحسب اتفاق، شماری از این لوحه های سنگی و گلی با تاریخ ملت یهود ارتباط دارد. یعنی، از این طریق ما می توانیم ثابت کنیم که خیلی چیزهائی که در کتاب مقدس یهود نگاشته شده کاملا حقیقت و واقعیت داشته و سانسور نشده است - و این موضوعی است که من می خواهم در گفتارهای بعدی، هنگامی که از تاریخ پادشاهی حضرت داود و حضرت سلیمان سخن می گوئیم درباره آن صحبت کنم.

این جور چیزها بوده و ما نمی توانیم آن ها را نادیده بگیریم. ولی سخن شما کاملا درست است که اقوام دیگر از میان رفتند و یهودیان باقی ماندند.

حالا چطور شد که ملت یهود به موجودیت دینی و فرهنگی و تمدن خویش ادامه داد ...

پرسش - بله منظورم این است که ملت یهود ناسیونالیسم خود را حفظ کرد و بالاخره به سرزمین پدری خویش بازگشت.

پاسخ - بله، کاملاً درست است. ولی در این جا می خواهیم به یک نکته مهم که همیشه در سخنرانی هایم مطرح می سازم اشاره کنم و آن، مثلثی است که واقعا می توان آن را مثلث مقدس ملت یهود نامید که یک گوشه آن سرزمین اسرائیل است، یک گوشه دیگر تورات اسرائیل است که به مفهوم نوشته ها و تاریخ های مقدس یهودیان در عهد عتیق است و ضلع سوم ملت اسرائیل است.

این سه با هم چنان همبستگی مقدس دارند (و در دیدگاه من مقدس به مفهوم چیزی است که واقعا فنا ناپذیر است)، یعنی ملت یهود واقعا با دو دست خود آن دو ارزش دیگر را گرفته و آن ها را حفظ کرده و به هر کجا که رفته آن دو تا (تورات و یاد سرزمین اسرائیل) را نیز با خود برده است.

اگر یهودی به علت جبر تاریخ ناچار شده از سرزمین اسرائیل به غربت برود، ولی این خانه اجدادی همیشه در فکر و ذکر و اندیشه او جای داشته است. یهودی به هر جای جهان که رفته، یاد سرزمین اسرائیل را در قلب و خون خود به همراه برده است.

در کتاب عهد عتیق که مهمترین کتاب مقدس قوم یهود محسوب می شود، نام اورشلیم صدها بار ذکر شده است و صدها بار سخن از سرزمین اسرائیل در این کتاب به میان آمده و شرح پادشاهان در آن ذکر شده، مقدسات اسرائیل مورد بحث قرار گرفته است. یعنی واقعا هر فرد یهودی، به هر جایی که رفته و در هر گالوتی که به سر برده، این مثلث، یعنی "سرزمین - کتاب - ملت" را با خود به همراه داشته و هرگز آن را رها نکرده است.

یهودی، سرزمین اسرائیل را در وجود خویش نهادینه کرده و کتاب مقدس تورات را همیشه در کنار خود داشته است.

این جا مقصود من تنها کاغذ و جلد تورات نیست، بلکه محتویات آن می باشد که شامل شریعت و قوانین اخلاقی است. شریعتی که بیشترین بخش آن انسانی و معنوی است و ارتباط دارد به این که اگر ملت یهود بخواهد یک ملت باقی بماند، چه واجباتی را باید انجام دهد و به کدام اصول شریعت و دستور دینی و اخلاقی و انسانی باید پای بند باشد.

پرسش - این علاقه و همبستگی سه گانه (سرزمین - کتاب - ملت) که شما به آن اشاره می کنید و در طول تاریخ دو هزار سال پراکندگی همچنان در میان یهودیان حفظ شده، چه نمادهائی داشته است؟

پاسخ - همان گونه که عرض کردم، این ملت وقتی با چنین مجموعه ای مقدس هرجا رفته آن را نیز با خودش برده، در واقع می توان گفت که ملت اسرائیل خود را هیچگاه از پیشینه باستانی و سرزمین پدری و کتاب مقدس جدا نکرده است. حالا، این نمادها چگونه بیان می شد؟ خوب، برای نمونه، مثلا در کنیساها (نیایشگاه های یهودیان) دعا های دینی فقط در رابطه با خدا نیست، بلکه در متن نیایش ها همیشه نام سرزمین اسرائیل برده شده است.

همیشه اسم اورشلیم در آن آمده و تمام این ها را اگر شما با هم جمع کنید، واقعا زیربنای ناسیونالیسم ملت یهود را به دست می آورید - و چنین چیزی در میان هیچ یک دیگر از ملت ها سابقه ندارد. این ها همه با هم بودند که ملت اسرائیل را فناپذیر کردند و با کمک همین ها بود که ملت اسرائیل توانست بیش از دو هزار سال دور از وطن خویش و با وجود آوارگی دوام بیاورد.

پرسش - یعنی منظور شما آن است که همان یهودی که در استرالیا زندگی می کند و یا دو هزار سال پیش به عراق تبعید شده و یا در مصر مقیم است و یا در آمریکای جنوبی به سر می برد، همه این یهودیان هنگام نیایش نام اسرائیل و سرزمین اسرائیل را می آورند؟

پاسخ - مسلم است. آن ها نه تنها همگی نام سرزمین اسرائیل را با اشتیاق و عشق فراوان بر سر زبان می آورند، و حتی گاهی با اشک و زاری از آن یاد می کنند، البته در دوره هائی که یهودیان در غربت و آوارگی بودند، ذکر نام وطن همیشه با سوگ و زاری برای آن ها همراه بوده است.

ولی در عین حال همیشه این اشتیاق در قلب یهودیان وجود داشته که باید حتما سال آینده بروند به کشور اجدادی خود، به وطن خودشان، به اورشلیم که در واقع نماد راستین کشور اسرائیل است.

این را هرگز از یاد نبرده اند.

گذشته از آن، نگاهداشت جشن ها و اعیاد، خود این موضوع یک ذهنیت مشترکی در میان یهودیان ایجاد کرده که در هر نقطه ای که هستند - حالا ممکن است در شانگهای باشند و یا در آرژانتین و یا اندونزی و یا در لهستان، وقتی در یک روز واحد عید پِسَح (عید فطیر) حلول می کند که یادگار خروج بنی اسرائیل از بردگی و بندگی مصر به سوی آزادی و بازگشت به سرزمین پدری یهودیان است، در همان روز، همه یهودیان در سراسر دنیا، در هر نقطه ای که باشند این عید را جشن می گیرند و آن را نگاه می دارند و همان آئینی را که حدود یک هزار و دویست و هشتاد سال پیش از میلاد در بیابان سینا برگزار کردند، یعنی به باور خودشان خوردن نام فطیر و دیگر آئین های این جشن را، در شب عید پِسَح در کنار سفره خانوادگی نگاه می دارند.

این واقعیت نشان می دهد که هیچ گاه بین یک فرد یهودی با گذشته تاریخی او، بین یک فرد یهودی با سرزمین اسرائیل، و بین یک فرد یهودی با اعتقادات خودش جدائی ایجاد نشده، که همه این ها در مجموع ناسیونالیسم یهودی را به وجود می آورد.

این جاست که می خواهیم بگویم ناسیونالیسم یهود به میزان بسیار زیاد با باورها و اعتقاداتی که همانا دین یهود می باشد، عجین شده است.

پرسش - به عنوان مثال می‌خواهم از شما درباره "دعای باران" در آئین یهود پرسیم. منظوری آن است که زمانی که یهودیان در نیم کره شمالی زمین دعای باران می‌خوانند، در آستانه پائیز قرار دارند، ولی در نیم کره جنوبی مثلاً در استرالیا آن چه که در نیم کره شمالی آستانه خزان است، آغاز فصل بهار محسوب می‌شود که ظاهراً فصل باران به پایان رسیده است؛ آیا یهودی استرالیایی نیز دعای باران را در همان موقع تلاوت می‌کند که یهودی ساکن نیم کره شمالی؟

پاسخ - بله، صد در صد همین طور است. زیرا یهودی استرالیایی در آستانه بهار در سرزمین خود، دعای باران را می‌خواند نه به امید آن که در استرالیا باران ببارد، بلکه او دعای باران را از این رو می‌خواند که در حافظه وی، حافظه قومی و گروهی او، همچنان در فکر سرزمین اسرائیل و خاک اجدادی خویش است و گوئی هنوز در همان خانه پدری زیست می‌کند.

یعنی، باران برکت همان بارانی است که به روی سرزمین اسرائیل می‌بارد - و در واقع این جاست که هر چیزی دور و بر سرزمین اسرائیل و همان وطن اجدادی یک یهودی دور می‌زند.

این موضوع را ما نباید فراموش بکنیم و خیلی ساده است که چرا (و این جاست که من می‌خواهم عصاره کلام را بگویم) ملت یهود برخلاف بسیاری از ملت‌های دیگر به زوال و فنا نرفت و ماندگار ماند، دوام پیدا کرد و تکامل یافت و از میان چنین ملتی، از میان چنین باورها و اعتقادات، افرادی چون انیشتن‌ها، فرویدها، منوچین‌ها و رامبام‌ها به وجود آمدند که ما چنین افرادی را به دنیای بشریت اهدا کردیم.

پرسش - با آن که ما می‌کوشیم وارد مباحث مذهبی نشویم، ولی از نظر فرهنگی جالب است پرسیم که چه ویژگی در کتاب تورات در مقایسه با کتب مقدس دیگر ادیان وجود دارد؟

پاسخ - اجازه بدهید ابتدا برای علاقمندان توضیح دهم که وقتی ما از کتاب مقدس نام می‌بریم، منظورمان چیست؟

کتاب مقدس یهود تشکیل شده است از تورات (که آن نیز خود به پنج صحیفه پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه تقسیم می‌شود) و در صفحات آن زایش تمدن ملت یهود بیان گردیده، و تولد مقدسات و قوانین و مدنیت یهودیان بیان گردیده است. بخش‌های نخستین تورات را نیز می‌توان تاریخ تمدن طبیعی ملت یهود دانست و اعتقاداتی را به وجود آورده که نیاز به شرح و بسط طولانی دارد.

علاوه بر تورات، یهودیان یک رشته کتاب‌های دیگری هم دارند به نام "کتب انبیاء" که در واقع تاریخ سرزمین اسرائیل را بیان می‌کند، و تاریخ ملی یهود و تاریخ پادشاهان یهود است که نوزده تن از این پادشاهان در بخش‌های شمالی سرزمین اسرائیل حکومت می‌کردند و

بیست و چند تن دیگر نیز در سرزمین "یهودا" که در بخش جنوبی سرزمین اسرائیل قرار دارد حکمرانی داشتند، که متأسفانه شماری از این حکومت‌ها در جریان حمله امپراتوری آشور به این سرزمین از بین رفتند و بخش دیگری نیز در حمله بخت‌النصر امپراتور بابل که در سال ۵۸۶ قبل از میلاد رخ داد فروپاشیدند.

بخش سوم کتاب مقدس یهودیان شامل پند و امثال و نوشتارهای انبیای کوچکتری است که شمارشان دوازده نفر است (انبیای بزرگ یهود سه تن بودند: اشعیا، ارمیا، و حزقیال) و این بخش همچنین شامل "تواریخ ایام" و کتاب "ایوب" و "مزامیر داود" و غیره است. همه این‌ها با هم "کتاب مقدس" یهود را در سه بخش تشکیل می‌دهند.

پرسش - یعنی اگر سخنان شما را فشرده بکنیم، تورات نه فقط کتاب مقدس یهود است، بلکه کتاب تاریخ قوم یهود نیز می‌باشد.

پاسخ - بله، تورات هم تاریخ ملت یهود است و هم مجموعه قوانین و دستورات و رهنمودهایی که آئین زندگی یهودیان نیز محسوب می‌شود و این شامل مقرراتی است که در خود تورات آمده و مقرراتی که پس از آن نگاشته شده و ما آن‌ها را در کتب انبیاء و تواریخ ایام می‌یابیم.

در پایان کلام باید بگویم که ویژگی کتاب مقدس یهود در مقایسه با کتب مقدس دیگر ادیان، عمده‌تاً در آن است که تورات و دیگر نوشتارهایی که کتاب مقدس را تشکیل می‌دهند، علاوه بر نوشتارهای دینی و قوانین شریعتی، کتاب تاریخ قوم یهود نیز هستند و سندیت ناسیونالیسم یهود را تشکیل می‌دهند.